

## جسد‌هایی زنده‌تر از زندگان

«دریاس و جسد‌ها»، داستانی است که مرده‌ها در آن حرف اول را می‌زنند

زهرا راستگویی  
خبرنگار

در ریاس و جسد‌ها قصهٔ دوقلوهایی است که می‌خواهند دنیا را تغییر دهند. دریاس در غرب درس خوانده

و بعد از بازگشت به شهرش، در یک ادارهٔ آرشيو مشغول به کار شده. برادر دوقلویش الیاس آرایشگر است. او در مغازهٔ کوچکش کم‌کم زمزمه‌های قیام را می‌شنود و خود با این جنبش همراهی می‌کند.

شهری که این وقایع در آن رخ می‌دهد ناگج‌آباد است. شهری خیالی که معلوم نیست کجا واقع شده. ما فقط می‌دانیم این شهر در شرق است. در کشوری که آن را جهان سوم می‌خوانند و حالا قهرمانی از غرب آمده تا آن را نجات دهد. قهرمان، کاری از پیش نمی‌برد اما نوع نگاه نویسنده قابل تأمل است. شرقی‌هایی اهل خرافه و توهم که شبی آن‌ها را رهبری می‌کند.

دریاس یک غریبه است. غریبه‌ای از فرنگ برگشته که زیاد سؤال می‌پرسد و مردم را کلافه می‌کند. او که در طول داستان به دنبال آشکار کردن حقایق است، خود مامور جمع‌آوری اجساد و پوشاندن حقایق می‌شود. در تمام طول داستان حواس مخاطب متوجه اجساد است. اجساد چه می‌شوند؟ چرا باید برخی از اجساد گرم‌تر از باقی باشند؟ شروع داستان همان صحنه‌ای

نقد  
خارجی

دنیای را تغییر دهند. دریاس در غرب درس خوانده

و بعد از بازگشت به شهرش، در یک ادارهٔ آرشيو مشغول به کار شده. برادر دوقلویش الیاس آرایشگر است. او در مغازهٔ کوچکش کم‌کم زمزمه‌های قیام را می‌شنود و خود با این جنبش همراهی می‌کند.

شهری که این وقایع در آن رخ می‌دهد ناگج‌آباد است. شهری خیالی که معلوم نیست کجا واقع شده. ما فقط می‌دانیم این شهر در شرق است. در کشوری که آن را جهان سوم می‌خوانند و حالا قهرمانی از غرب آمده تا آن را نجات دهد. قهرمان، کاری از پیش نمی‌برد اما نوع نگاه نویسنده قابل تأمل است. شرقی‌هایی اهل خرافه و توهم که شبی آن‌ها را رهبری می‌کند.

دریاس یک غریبه است. غریبه‌ای از فرنگ برگشته که زیاد سؤال می‌پرسد و مردم را کلافه می‌کند. او که در طول داستان به دنبال آشکار کردن حقایق است، خود مامور جمع‌آوری اجساد و پوشاندن حقایق می‌شود. در تمام طول داستان حواس مخاطب متوجه اجساد است. اجساد چه می‌شوند؟ چرا باید برخی از اجساد گرم‌تر از باقی باشند؟ شروع داستان همان صحنه‌ای



است که تا پایان مدام تکرار می‌شود. مراسم تشییع، کتاب را که به می‌کنیم وسط یک مراسم تشییع هستیم و تا پایان کتاب انگار این مراسم تمامی ندارد. بختیار علی به اجساد به عنوان نشانه‌هایی برای زشتی و پلشتی تاریخ نگاه می‌کند.

از اواسط داستان نویسنده شخصیتی را خلق می‌کند که نمایندهٔ خودش است. او از همه چیز اطلاع دارد. من اگر می‌خواستم یک شخصیت را از داستان حذف کنم بدون شک همین فرد بود، ارشد صاحب. او لذت داستان را از من می‌گیرد. همهٔ مفاهیمی را که من قرار بود در طول کتاب، در ذهنم به آن برسم، راست و مستقیم تحویل می‌دهم. آخر قصه هم دست‌های اوست که توی کادر می‌آید و یکی یکی همهٔ گره‌ها را باز می‌کند.

بختیار علی که بیش از دوپست صفحه مخاطب را در ابهام پیش آورده، حالا انگار که راه‌حل دیگری برایش نمانده باشد، پیر دانای قصه، ارشد صاحب، را می‌نشانند تا ماجرا را از اول تا آخر بازگو کند. پایان‌بندی توی ذوق می‌زند. این باز کردن همهٔ ماجراها در چند صفحه به مخاطب نشان می‌دهد، آنقدرها هم که فکر می‌کرده داستان پیچیده نبوده است. با یک دروغ بزرگ طرف بوده و این کام مخاطب را تلخ می‌کند. انگار تلاش کنی همه چیز را ساده‌تر نشان دهی در حالی که اتفاقا همین ابهام و پیچیده بودن نقطه قوت داستان توست و خواننده را تا اینجا کشانده است.

برای اهالی کتاب نام «امبرتو اکو» برابر است با تصویری از یک مرد نسبتاً چاق و آرام، که با نگاهی از پشت عینک به مخاطب خیره شده است. این نگاه امبرتو اکو اگر به مخاطب نباشد صددرصد در هر تصویر و فیلمی که از او به جا مانده است حتماً خیره در صفحات کتاب است. کتابی که به یقین از میان یکی از کتاب‌های بی‌شمار کتابخانه شخصی باشکوه و عظیم خودش است. نام امبرتو اکو برای اهالی کتاب، علاوه بر خود کتاب، گره خورده است به تصویر کتابخانه عظیم و تودرتویش که شهره جهان است.

از آنجایی که تخصص امبرتو اکو در علم نشانه‌شناسی است، رمان‌هایش نیز خواننده را وادار به جست‌جو و یافتن نشانه‌هایی در متن می‌کند، همان مقصودی که به نظر می‌آید مورد نظر امبرتو اکوست. اینکه خواننده، هر کلمه، هر تصویر، هر گفت‌وگو و بحث وجدل بین شخصیت‌های رمان‌هایش را نشانه‌ای از چیزی بداند، نشانه‌ای از حادثه‌ای تاریخی، اشاره‌ای به مضمونی مذهبی و...

امبرتو اکو (Umberto Eco)، نویسنده و نظریه پرداز ایتالیایی، برای مخاطب ایرانی بیشتر در حوزه رمان‌نویسی و با سه رمانش مشهور است: «آنک نام گل»، «آونگ فوکو» و «بائودولینو». اما اکثر کتاب‌ها، مقاله‌ها و سخنرانی‌های او در حوزه نشانه‌شناسی و نظریه‌های ادبی است. در واقع در معرفی او می‌توان گفت که او یک نشانه‌شناس، فیلسوف، متخصص قرون وسطا، منتقد ادبی و رمان‌نویس است که در سال ۲۰۱۶ میلادی، در ۸۴ سالگی، از دنیا رفت. از میان تمام کتاب‌های نظریه امبرتو اکو، تنها کتاب «نشانه‌شناسی» او در میان فارسی‌زبانان مشهور است.



## جهان رمان‌های امبرتو اکو

نشانه‌شناسی که تا آخر عمر «نویسنده‌ای جوان»، باقی ماند

الهام اشرفی  
خبرنگار

### نشانه‌شناسی و امبرتو اکو، یک پیوند جذاب!

نشانه‌شناسی ادبی در غرب وارد مرحله جدیدی از فعالیت‌های خود شده است، گرچه که در کشورمان هنوز زمینه‌ای نوپا به شمار می‌آید و بیشتر از طریق ترجمه کتاب‌های نظری مطرح است.

در واقع تعریف نشانه‌شناسی این است: نشانه چیزی است که بر غیر خود دلالت دارد و علم نشانه‌شناسی، یافتن همین ارتباط معنایی است. معناسازی است که مخاطب، از اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان‌های موجود در متنی می‌کند.

«فردینان دو سوسور» بر این باور بود که زبان، نظامی از نشانه‌هاست. امبرتو اکو بر این باور بود که متن، زمینه‌ای برای معناست. او نظریه متن بسته و گشوده را مطرح کرد؛ به عقیده او متن بسته متنی است که درک بالقوه خواننده را محدود به تک‌صدايي و در نتیجه برداشت واحد از اثر می‌کند، در حالی که متن

گشوده میان ذهن و جامعه و زندگی ارتباط برقرار می‌کند و تک‌صاحتی بودن را در متن از میان می‌برد. او خواننده را اصل فعال تفسیر می‌داند.

در ادامه این یادداشت به خلاصه‌ای مختصر از سه رمان مهم امبرتو اکو اشاره کرده‌ام، رمان‌هایی که با خواندن همین چند خط از آنها متوجه عمق معنا، تبحر و اشراف امبرتو اکو بر تاریخ، علوم مذهبی، فلسفه و قرون وسطا خواهید شد.

### آنک نام گل، معمایی جنایی در قرون وسطا

کتاب «آنک نام گل» روایت حضور هفت‌روزه دو نفر (یک کشیش به نام ویلیام و دستیارش آدسو) است در یک صومعه در قرون‌وسطا. این دو نفر برای کشف رمز معماها و پیگیری قتل (قتل‌هایی) راهی صومعه‌ای می‌شوند، صومعه‌ای که در آن و در شب‌هنگام‌هایش اتفاقات عجیب و مرموزی می‌افتد و ویلیام، همچون یک کارآگاه زبردست، نشانه به نشانه و شریک هولمزگونه شروع به کشف معماها می‌کند. خواندن رمان «آنک نام گل» برای خواننده آسان، ولی به فکر فرو برنده است، به‌نوعی سهل و متنوع. از طرفی قصه اصلی بسیار

ساده و خوش‌خوان پیش می‌رود، از سویی دیگر خواننده ناخودآگاه در مورد تاریخ، جغرافیا، انواع مذاهب و فرقه‌های دینی موردنظر در آن سال‌های تاریخی و در آن صومعه کنج‌کاو و مجبور به جست‌وجو و مطالعه بیشتر می‌شود، همان مقصود موردنظر نویسنده در جهت پویا بودن خواننده.

آدسو، از هزارتوهای عجیب و تودرتوی صومعه و نیز بعد از کشف کتابخانه مرموز و بسیار بزرگ صومعه (که برای من تداعی‌کننده کتابخانه شخصی خود امبرتو اکو بود) می‌کند فضای صومعه را برای خواننده بسیار ملموس کرده است. گویی نویسنده از طریق روایت‌های آدسو دست خواننده را گرفته است و مانند یک راهنمای تور قرون‌وسطایی نقطه به نقطه صومعه را به ما نشان می‌دهد.

امبرتو اکو در یادداشتی نوشته است: «انگاره (رمان) نام گل سرخ زمانی متولد شد که تصویر قتل کشیش در یک کتابخانه سخت مرا تکان داد... اوایل کار فکر می‌کردم، داستان باید در زمان خود ما به وقوع بپیوندد. اما بعد که از میزان شناخت و علاقه‌ام نسبت به قرون‌وسطا آگاه شدم، بهتر دیدم که ماجرا را به فضای آن دوران انتقال دهم.»

رمان «نام من سرخ» نیز سرشار از

فکر می‌کردند که او دست به عصا بشود اما هرمان، ملویل نبود که با این پادها بلرزد. یکی دو تا داستان دیگر هم نوشت و با آنها باز هم لچ عده‌ای دیگر را درآورد. بعد از همه این ماجراهای لچ‌محور بود که قشنگ و سر فرصت و در ۳۱ سالگی موبی دیک (وال سفید) را نوشت. کسی از ذهن ملویل هنگام نگارش موبی‌دیک خبر ندارد، اما او احتمالاً خدایش را بابت دورانش در گشتی خیلی شکر کرده باشد. در این شاهکار سترگ منابع الهام ملویل سفرهای

فکر می‌کردند که او دست به عصا بشود اما هرمان، ملویل نبود که با این پادها بلرزد. یکی دو تا داستان دیگر هم نوشت و با آنها باز هم لچ عده‌ای دیگر را درآورد. بعد از همه این ماجراهای لچ‌محور بود که قشنگ و سر فرصت و در ۳۱ سالگی موبی دیک (وال سفید) را نوشت. کسی از ذهن ملویل هنگام نگارش موبی‌دیک خبر ندارد، اما او احتمالاً خدایش را بابت دورانش در گشتی خیلی شکر کرده باشد. در این شاهکار سترگ منابع الهام ملویل سفرهای



خرده‌روایت‌هاست، رمانی است چندلایه. داستان آن روایت دوران تسلط مذهب در استانبول قرن شانزدهم است. سلطان وقت، دستور داده است تا گروهی از بهترین و برجسته‌ترین هنرمندان سرزمینش، گردهم آیند و کتابی باشکوه در مدح پیروزی‌ها و فتوحات قلمرو و ملکش به وجود آورند. مسلماً گستره جغرافیایی این روایات تمام اقلیم خاورمیانه را دربرمی‌گیرد، بخصوص حضور ایران در این رمان بسیار مشهود است و برای خواننده ایرانی جالب. در این رمان هم به‌مانند رمان «آنک نام گل» قتلی صورت می‌گیرد و موضوع رمان با پیدا کردن قاتل و نیز سفر به هزارتوهای خاورمیانه پیش می‌رود. در عین حال کتاب مانند رمان اکو، اطلاعات تاریخی، هنری، مذهبی، معماری و... بسیاری در مورد خاورمیانه به خواننده منتقل می‌کند.

اورهان پاموک گفته است: «یکی از انگیزه‌های من برای نوشتن رمان نام من سرخ، بازآفرینی داستان‌های ادبیات کلاسیک بود. زمانی که داشتم کتابم را می‌نوشتم از خواندن شاهنامه و خسرو و شیرین لذت بردم.»

رمان «نام من سرخ» نیز سرشار از

دریایی‌اش بوده. کار اینقدر خوب از آب درآمده که هنوز که هنوز است دعوی «ملویل یا تواین کدامیک پدر رمان امریکایی است؟» در محافل ادبی دنبال می‌شود. تی پای و اوپو و همچنین داستان کوتاه «بارتلیبی محرر» از دیگر کارهای بسیار مهم او هستند. در داستان بارتلیبی محرر او فضایی متشنج را به سردترین شکل ممکن برای خواننده شکل می‌دهد، بعید است بارتلیبی را بخوانید و اعصاب‌تان به شکل لذت‌بخشی خط‌خطی نشود.

از باقی کارهای او هم می‌توان به «بنیتو سرنو» اشاره کرد که می‌گویند «بورخس» خواندنش را به همه توصیه کرده بود. این کتاب اخیراً توسط نشر «آگه» منتشر و روانه بازار شده. ملویل احتمالاً مهم‌ترین شخصیت ادبی تاریخ امریکاست اما همه این شاهکارها برای او نه نان داشت و نه آب. او تا آخر عمر یک کارمند ساده گمرک بود که در اواخر همان قرنی که اوایلش به دنیا آمده بود از دنیا رفت! روحش شاد و یادش گرامی باد!



## ماجرای زندگی یک شاهکار نویسی دریا زده!

به بهانه انتشار «بنیتو سرنو» از هرمان ملویل

یک  
نویسنده

هرمان ملویل اوایل قرن نوزدهم به دنیا آمد و همراه با خانواده همگی خیلی هم خوشبخت بودند، اما ده دوازده ساله که بود پدرش ورشکست شد و هرمان و بقیه خانواده به ناگاه بدبخت شدند. پدرش که درگذشت دیگر اعضای خانواده - در کنار هرمان جوان - به خاک سیاه نشستند رسماً سر همین هم هرمان ملویل رفت گشت دنبال کار، آخر هم رسید به یک کشتی و پرسید که آیا آنها در آن کشتی

کارگری، ملوانی، چیزی می‌خواهند یا نه؟ زد و آنها هم گفتند بله که می‌خواهیم و او هم از خدا خواسته پرید بالا و همانجا ملوان شد. احتمالاً روی کشتی کلی به بخت بدش فحش هم داده که چرا یک کار کنار خانواده‌اش پیدا نکرده. او اگر آینده را می‌دانست نه تنها این کار را نمی‌کرد بلکه با دقت بیشتری هم به اطراف و اکناف خودش توجه می‌ورزید. حوالی ۲۵ سالگی آثار اولش را منتشر کرد که لچ خشک مذهب‌های امریکایی را درآورد، بعد از این لچ‌درآوری منتقدین

